

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جہاد و اسلام

دورہ چہارم، شمارہ سوم

دوره چهارم ، شماره سوم / ۳

نام جزوه: جهاد در اسلام

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- پیامبر رحمت..... ۵
- جهاد برای چیست؟ ۸
- آیا اسلام با شمشیر پیش رفت؟! ۱۱

دوره چهارم ، شماره سوم / ۵

پیامبر رحمت

بیش از یک میلیارد مسلمان در نقاط مختلف جهان، طلیعه ی قرن پانزدهم بعثت را جشن می گرفتند.

این جشن به خاطر بزرگداشت روزیست که پیامبر ما پرچم صلح و برادری را به دوش گرفت و باشعار «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۱ پایه های صلح جهانی و همزیستی مسالمت آمیز را استوار ساخت.

۱. تو را تنها بدین جهت فرستادیم که موجب آرامش جهانیان بوده و برای ایشان زندگی مسالمت آمیزی را پی ریزی کنی. سوره ی انبیا، آیه ی ۱۰۷.

اسلام، اختلافات طبقاتی و نژادی را که عامل بسیاری از جنگها و حوادث نامطلوب است؛ به بهترین وجهی حل کرد ولی دنیای متمدن کنونی، هنوز گرفتار آن است و هر روز آتش جنگ به هر بهانه‌ی شعله‌ور می‌سازد.

صلحجویی و عدالتخواهی اسلام به اندازه‌ایست که با کمال صراحت، اهل کتاب را به سوی وحدت و هماهنگی دعوت می‌کند و با بیانی دلپذیر می‌گوید: «ای پیامبر ما، به اهل کتاب - یهود و نصاری - بگو در حصار توحید بیاید تا یکدل و یکزبان، خدای واحد را پرستش کنیم و به او شرک نوزیم»^۱.

دوره چهارم ، شماره سوم / ۷

هنگامی که مسلمانان به مدینه هجرت کردند و پرچم پیروزی بالای سر آنان به اهتزاز در آمد؛ پیشنهادهای صلح از طرف مخالفان تقدیم پیامبر(صلی الله علیه وآله) شد و آن حضرت از آنها استقبال می کرد. شاهد زنده ی آن، صلح با چند طائفه از یهود است که در سال اول هجرت انجام گرفت.^۱

اسلام خواهان صلح و همزیستی عمومی است و در این زمینه برنامه های عالی و مفیدی طرح می کند.

جهاد برای چیست ؟

اسلام مکتبی زنده و جهانی است که اصلاح نظامات اجتماعی و اقتصادی دنیا را به شیوه‌ی خاصی دنبال می‌کند.

اسلام مانند آیین رومیان قدیم و یهود و نازیها در چهارچوب جامعه و نژاد محصور نیست؛ بلکه برای عموم جهانیان است و مسلمانان به پیروی از تعالیم اسلام وظیفه دارند در راه نجات توده‌های محروم و ستم دیده، استقرار صلح و عدالت و آشنا شدن مردم جهان نسبت به برنامه‌های زندگی بکوشند.

مجاهدان اسلام در صدد آن نیستند که از راه جهاد به قطعه زمینی دست یابند یا رژیم را واژگون

دوره چهارم ، شماره سوم / ۹

کنند و رژیم‌های همانند آن یا ظالمانه تر بر ویرانه‌اش
پیدا دارند. بلکه جهاد، تلاش بشردوستانه و
بی‌شائبه‌ای است که در راه خدا و تکامل انسان‌ها و
نجات توده‌های ضعیف انجام می‌یابد. تا فتنه‌ها
زدوده شود و صلح عمومی برقرار گردد.

این هدف بزرگ و این تعلیمات زنده به خواب
آلودگی و ذلت جمعیتی بی‌شمار خاتمه می‌دهد و
نیز خودکامگی و سودجویی عده‌ی عزیز بی‌جهت
را که از خون دل بیچارگان زندگی افسانه‌ی
می‌سازند تعطیل می‌کند.

فطرت انسان‌ها حکم می‌کند که: علف‌های
هرزه و عضوهای فاسد اجتماع باید قطع شوند تا
زمینه برای نجات و سعادت توده‌های محروم فراهم

آید. بشر دوستان، عدالت خواهان و آزادگان به چنین مبارزه‌ی می‌کنند و آن را می‌ستایند.

چه نیکوست کلام خدا:

«اگر خدا برخی از مردم را به وسیله‌ی دیگران از بین نمی‌برد، زمین تباه و فاسد می‌شد»^۱.

در تئوری قانونگذار اسلام، جنگ، خود، هدف نهایی نبوده است بلکه برای جلوگیری از تجاوزها و ستم‌گری‌ها و نیز باز شدن راه برای سعادت انسان‌های شایسته و وسیله‌ی نهایی شناخته شده است.

نماینده‌ی مسلمانان عرب به رستم فرخ زاد سردار ایرانی گفت:

دوره چهارم ، شماره سوم / ۱۱

«خداما را برانگیخت تا مردم را از بنده پرستی به خداپرستی، از تنگنای جهان به فراخنای آزادگی و از جور ادیان (باطل) به عدل اسلام دعوت کنیم. هر کس دعوت ما را بپذیرد سرزمین او را به خودش واگذار می کنیم و می رویم...»^۱.

آیا اسلام با شمشیر پیش رفت؟!

هدف اصلی مسلمین از جنگ این بود که ارتباطی بین خود و توده های محروم برقرار سازند؛ تا بدین وسیله، آنان از قوانین اسلام مطلع گردند و عظمت و اصالت آنرا از نزدیک ببینند.

مسلمانان در پیکار خود با کفار (اهل کتاب) کسی را مجبور به اسلام نمی کردند. آنان

می توانستند با قبول شرایط صلح، به دین خود باقی بمانند. در عوض دولت اسلامی از ایشان حمایت می کرد.

پیامبر اسلام در صلح حدیبیه تعهد داد که: اگر فردی از کفار مکه مسلمان گردد و به مدینه نزد مسلمین بیاید؛ مسلمین او را نپذیرند و به مکه برگردانند و همان طور تعهد داده بود عمل کرد.^۱

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در فتح مکه، قریش را آزاد گذاشت و هیچ فردی را به قبول اسلام وادار نساخت تا بلکه خود ایشان دین صحیح را بشناسند. و با مسلمانان عهد بست که در مکه کسی را جز چند نفر - که کارشان اذیت و اخلال بود-

دوره چهارم ، شماره سوم / ۱۳

نکشند^۱. و نیز موقعی که کفار امان می خواستند اما نشان می داد تا خود پس از تحقیق اسلام را آزادانه بپذیرند؛ مثلاً صفوان بن امیه پس از فتح مکه به جده فرار کرد، وقتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) برایش امان خواستند حضرت عمامه خود را برای او فرستاد تا با این نشانه در امان باشد و به مکه وارد شود. صفوان از جده برگشت و به پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرض کرد دو ماه به من اختیار و مهلت بده. پیامبر پذیرفت و او را چهار ماه مهلت و اختیار داد. و او همراه حضرت به حنین و طائف رفت، و با

اینکه کافر بود و سرانجام به اختیار خود مسلمان شد.^۱

و بدین ترتیب معلوم می شود که: به کار بردن شمشیر فقط برای آنها نیست که حق را تشخیص داده اند ولی با آن مبارزه می کنند و از سعادت و خوشبختی دیگران جلو می گیرند. و شمشیر برای زدودن فتنه ها، نجات توده های محروم و ایجاد زمینه های مساعد برای ترقی و تکامل بشر می باشد.

ایمان مسلمانان صدر اسلام و استقامت آنان بهترین دلیل است براین که اسلام به زور شمشیر پیش نرفته است. مسلمانان صدر اسلام به اندازه ای

دوره چهارم ، شماره سوم / ۱۵

نسبت به دین خود علاقه مند بودند که در برابر تمام مشکلات استقامت ورزیدند و حتی زادگاه خود را هم ترک گفتند و هجرت کردند.

بلال حبشی از کسانی بود که نسبت به قبول اسلام پیشی گرفت، ابوجهل او را روی ریگهای گرم حجاز می انداخت و سنگ بزرگی روی او می گذارد تا حرارت آفتاب او را بیازارد و به او می گفت: به پروردگار محمد کافر شو ولی بلال پی در پی می گفت: «احد، احد» و با این شکنجه ها و آزارها از آیین اسلام دست نمی کشید و استقامت می ورزید.

آیا با این وضع باز هم می توان گفت: اسلام به زور شمشیر پیش رفته است؟

دشمنان اسلام چون نقطه ی ضعفی در اسلام ندیدند؛ خواستند از این راه اسلام را لکه دار کنند. غافل از این که اسلام به خاطر سهولت و سادگی، پناه دادن به توده های محروم و ستم دیده و جامعیت خود نسبت به مسائل زندگی، پیش می رود.

دکتر گوستا ولوبون فرانسوی می نویسد: «اسلام با طریق سهل و ساده یی پیش می رود؛ که واقعاً حیرت انگیز است و باید آن را جزو اختصاصات اسلام شمرد. هر جا که مسلمین قدم گذاردند؛ اسلام برای همیشه در آنجا باقی مانده است»^۱.

یکی دیگر از نویسندگان مسیحی می نویسد: در بسط و توسعه ی جهان اسلام؛ به وسیله

دوره چهارم ، شماره سوم / ۱۷

تماس های بازرگانی و فرهنگی در ماوراء مرزهای
اسلامی به درجات بیشتر از فتوحات نظامی بوده
است.^۱

۱ . کتاب جنگ و صلح در اسلام، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی،